



رقابت مانادورها

۲۴



رونالدینیو، بهترین در فصل گذشته

۲۴



احسان در منتخب آسیا

۲۵



گفت وگو با مهدوی کیا

۲۶



دقیقه صفر

فدراسیون از برانکو شکایت می‌کند رفتاری خارج از عرف بین‌المللی

فدراسیون فوتبال ایران از برانکو ایوانکوویچ به فیفا شکایت کرده است.
تاریخی که فدراسیون فوتبال شکایت‌نامه رسمی خود را به فیفا ارسال کرده به روز هشتم تیرماه برمی‌گردد. یعنی در روزهایی که افکار عمومی موضعی کاملاً مخالف با تیم ملی فوتبال و افرادی مثل برانکو داشت و هر حرکتی در تضاد با منافع شخصیت‌هایی مانند برانکو با استقبال روبه‌رو می‌شد. البته در همان هنگام کیومرث هاشمی سرپرست فدراسیون فوتبال که همیشه سعی می‌کند روی خط اعتدال قدم بردارد این خبر را تکذیب کرده بود. تکذیبیه او البته فقط یک امتناع شخصی بیشتر نبوده است و حالا با این وضعیت این ستوال مطرح می‌شود که در صورت مخالفت هاشمی چگونه این شکایت‌نامه به فیفا رسیده و به جریان افتاده است.
اتفاقی که برخلاف گفته‌های هاشمی، داریوش مصطفوی از ابتدا موافق آن بود و خود او این ماجرا را به عنوان اولین نفر پیش کشید و دبیرکل فدراسیونی که بعضی‌ها ادعا می‌کردند در تمام سیاست‌های فعلی نادیده گرفته می‌شود حالا در این دعوا پررنگ‌ترین نقش را ایفا کرده است. یک دعوای حقوقی ظاهراً بی‌فایده که نه تنها شاید رای آن به سود صادر نشود که حیثیت و آبروی ما را هم تا حدودی زیر ستوال می‌برد.

بهبانه فدراسیون در این شکایت این است که چرا بعد از این که آقای ایوانکوویچ را از سمت خود خلع کرده‌ایم، ایشان دوباره به کارش ادامه نداده‌است؟! در خبر خبرگزاری ایسنا نوشته شده است: «فرارداد دو ساله برانکو پیش از حضور در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۴، در حالی منعقد شد که این قرارداد تا دهم مهرماه سال ۸۵ اعتبار دارد و برانکو موظف بوده که برای مشخص شدن تکلیف زمان باقی‌مانده قراردادش به تهران سفر کند.»
فدراسیون اما در حالی انتظار داشته که در این مدت برانکو را در تهران ببیند که معلوم نیست در این صورت ایوانکوویچ در صورت اقامت در تهران چه خواسته و مطالباتی را باید برآورده می‌کرده است و به غیر از اینکه در هتل گلشهر بنشیند و روزها را سپری کند چه کاری از او ساخته بود. تیم ملی که سرمربی جدید خود را شناخته بود و در قرارداد برانکو نیز مسئولیتی به جز هدایت تیم ملی فوتبال ایران قید نشده بود. بنابراین با احتساب این موارد معلوم نیست فدراسیون از بودن سرمربی معزول تیم ملی چه سودی می‌برده که حالا شکایت او را به فیفا تحویل داده است.



چیزی که می‌تواند اعتبار ما را بیش از پیش در نزد سران فیفا مخدوش کند. به هر حال کاری که برانکو کرده چیزی در عرف بین‌المللی است و او جدا از قواعد فعلی حرفه مربیگری کاری نکرده است. در تمام دنیا هر مربی چندی پیش از اتمام رسمی قراردادش و با معرفی جانشین خود دیگر پی‌گیر قرارداد خود نمی‌ماند. این مسئله البته در مورد برانکو بیشتر به نفع او است تا ما. چرا که ما بعد از جام جهانی حقوق این مربی را نداشته‌ایم. ماه‌های خرداد، تیر و مرداد این شخص پرداخت نشده و دستمزد شهروم‌راه او نیز پرداخت نخواهد شد. البته به این علت که ما پیش‌دستی کرده‌ایم و البته شکایت خود را از این مربی مطرح کرده‌ایم فعلاً ایوانکوویچ منتهم است نه ما و در حال حاضر او است که باید از بار این اتهام حقوقی خارج شود. چنان که کمیته انضباطی فیفا به این مربی اهل کروات اولتیماتوم داده که تا چهارده شهریور (پنج سپتامبر) تکلیفش را با فدراسیون فوتبال ایران مشخص کند. هشداری که البته با توجه به اقامت برانکو در شهر لندن تا به امروز بی‌نتیجه مانده است. البته ماجرای این شکایت که به اینجا رسیده کیومرث هاشمی امروز این شکایت‌نامه را تایید می‌کند و حرف‌هایی خلاف ادعای اولیه خود می‌زند. او گفته است فدراسیون این سوال اما به ذهن می‌رسد که منظور از «مشخص شدن وضعیت» چیست؟! مگر غیر از این بوده که یک نفر جدید را در همین سمت او معرفی کرده‌اند! تازه بماند که به قول فخرالدین بگوویچ هنوز پاداش‌های راهیبایی به جام جهانی به آنها داده نشده است. درگیری‌های فوتبال‌ما در این موارد جز آبروریزی چیزی در بر ندارد. یک کم قواعد حرفه‌ای را رعایت کنیم.

نورافکن‌ها زمین را روشن کرده‌اند البته نه به حد استاندارد.
تمرین تمام شده و همه برای سرد کردن می‌دوند. پرویز کمالی مثل همیشه نرم و بی‌صدا می‌دود و پشت سرش هم بقیه به خط شده‌اند. هنوز از لباس رسمی تمرین خبری نیست و امروز لباس سفید و سبز به تن همه نشست. مظلومی می‌گوید که قرار است به زودی لباس‌ها ازگمرک ترخیص شود، به زودی. کنار زمین انگار خبرهایی است؛ یک غریبه دیگر کنار تیم ملی است. دکتر خادمیان پزشک متخصص است و ظاهراً روی یک موضوع جالب کار می‌کند. او مدعی است که بعد از سه سال تحقیق و پژوهش روش نوینی برای رفع دردهای ناشی از تمرینات ورزشی پیدا کرده و مهم‌تر از آن می‌تواند در عرض ۳ دقیقه تمام خستگی بازیکنان را رفع کند. می‌گوید بازی‌های تیم ملی در نیمه دوم معمولاً با افت بدنی همراه است اما او می‌تواند با روشی منحصر به فرد خستگی همه را از تن بیرون کند. اما از برخوردهای نادرست در سیستم ورزش و فدراسیون‌ها ناراحت است و می‌گوید کسی او را جدی نگرفته. دکتر ضددرد از اینکه روش او را انرژی درمانی بخوانند ناراحت نمی‌شود اما اصرار دارد که نام دقیق آن یعنی FFB بیان شود. دکتر بعد از پایان تمرین می‌رود به سمت فدراسیون والیبالی تا شیفت دوم کارش را با والیبالیست‌ها شروع کند. می‌گوید دیرش شده و قدم‌هایش را تند می‌کند. سرعت او کمی عجیب است چون که می‌گوید جانباز جنگ است.

صادقی سعی می‌کند چند قدمی بدود اما هیئات!
■ ■ ■

«آقای خرسندی... این جوری توپو لو می‌دن... سفت بازی کن...»
امیر نفرات جدید را زیر شلاق گذاشته تا ببیند از پس کار برمی‌آیند یا نه؟
اوضاع چندان رضایت‌بخش نیست. معلوم است که تمرین با تیم ناقص خیلی فایده‌ای ندارد. پرویز مظلومی از بیرون تیم را دید می‌زند و گاهی با یکی از دوستانش راجع به فوتبال‌آبادان حرف می‌زند. مظلومی غرولندکنان می‌گوید: «این جورِی نمی‌شود. وقتی همه بازیکنان این درد قدیمی از پیش از جام جهانی هم وجود داشت. قرار است عصر یکشنبه تیم راهی کره جنوبی شود. تمرین جمعه تعطیل شده و شنبه هم که قرار است با نیروی زمینی بازی تدارکاتی برگزار شود. بنابراین فقط می‌ماند تمرین صبح یکشنبه که آن هم بعید است با حضور لژیونرها همراه شود. موضوع جدی‌تر، سفر از کره به سوریه است که سرپرست و مشاور تیم در مورد آن خیلی حرف می‌زنند. چه سفر سختی است؟!
■ ■ ■

دلخوری بقیه را نگاه می‌کند. تمرین عصر پنجشنبه شاداب‌تر از صبح است. همین که قرار است با توپ بازی خودشان را گرم کنند کیف می‌کنند. مهرداد اولادی چهره متفاوت تمرین است. او سربه‌سر همه می‌گذارد و فراوان شوخی می‌کند. انگار نه انگار که مشکل خروجی اش حل نشده. پشت سر اینها هم احسان خرسندی، مهرداد پولادی و محمدرضا ماهینی چهره‌های جدید تیم هم سعی می‌کنند با فضا خودشان را وفق بدهند. حتی مهرداد پولادی دعوت به مصاحبه با شبکه خبر هم می‌شود که بلافاصله قبول می‌کند.

چند دقیقه بعد بساط تنیس فوتبال راه می‌افتد و کرکی بازیکنان با هم. می‌شود از این جمع دو سه تا تیم سبک‌تاکرا درست کرد. همه اهل قیچی زدن هستند، به خصوص سیواوش اکبرپور که از هیچ توپی نمی‌گذرد، ناصر ابراهیمی بین تنیس فوتبال تمرین پاس سریع و یک دو می‌گذارد و امیر قلعه‌نویی هنوز منتظر خالی شدن زمین است. نوجوانان تقریباً کارشان تمام شده و دارند جمع می‌کنند، بروند. زمین که خالی می‌شود بزرگسالان می‌دوند توی چمن. امیر سریع آنها را به چند دسته تقسیم می‌کند و تمرین جدی می‌شود. امیرحسین

تصدیق می‌کند و به این ترتیب حتی دوربین شبکه خبر که کم مانده بود به خاطر دیر برگزار شدن تمرین کمپ را ترک کند دوباره سه پایه‌ها را روی زمین کار می‌گذارد. مهدی رجب‌زاده هنوز بین جوان‌ترها می‌دود. خبر می‌رسد که او قرار است به اصفهان برود و قراردادش را تمدید کند. به همین خاطر با اجازه قلعه‌نویی یک سانس جلوتر و با نوجوانان تمرین می‌کند که از پرواز جا نماند.

آرام‌آرام از در کوچک منتهی به هتل المپیک بقیه هم از راه می‌رسند. ناصر ابراهیمی سوت به دست و جلوتر از بقیه پشت دروازه نوجوانان می‌ایستد. امیر قلعه‌نویی هم در گوشه دیگر آرام راه می‌رود در حالی که نگاهش را از زمین برنمی‌دارد. روزهای سختی پیش روی او است.

■ ■ ■

طبق معمول همه بازیکنان تیم ملی نیستند. حساب لژیونرها که معلوم است. آلمانی‌ها که طبق معمول سه روز قبل از بازی می‌رسند و از بین اماراتی‌ها هم فقط جواد کاظمیان حضور دارد. ابراهیم میرزاپور هم که هنوز صددرصد خوب نشده است و جدیدترین مصدوم هم امیرحسین صادقی است. او کناری نشسته و با

آرش راهبر: نگهبان زنجیر را می‌اندازد، اما می‌گوید: «آقا زود آمدید. تمرین تیم ملی بعد از ۶/۵ است. الان هم نوجوانان دارند تمرین می‌کنند...»
چاره‌ای نیست؛ رسیدن به کمپ تیم ملی برای خودش سفری است و نمی‌شود بدون سوغاتی برگشت. چاره‌ای جز انتظار نمی‌بینیم و به همین خاطر می‌رویم داخل. دیدزدن تیم نوجوانان هرچه باشد بهتر از بیکاری است. نوجوانان از دور پیدا هستند. با لباس سفید این طرف و آن طرف می‌دوند و سرشان را می‌گذارند جلوی توپ. اما بین آنها یک غریبه هم هست. مهدی رجب‌زاده با پیراهن سبز قاطی نوجوانان می‌دود و بازی می‌کند. بازی مهدی البته تعجب کسی را برنمی‌انگیزد چون اصلاً کسی نیست. سکوها خالی است و هواداران تیم ملی ساعت خنک‌تر را برای تشویق تیم ملی انتخاب کرده‌اند.

رجب‌زاده بزرگترین نام داخل زمین است و به همین خاطر نوجوان‌ها به خاطر کسوت هم که شده سعی می‌کنند بیشتر از بقیه به او پاس بدهند. مهدی هم البته نرم بازی می‌کند و سعی دارد به کسی ضربه‌ای وارد نکند. تیم نوجوانان در راه سنگاپور است و به احتمال زیاد می‌تواند به جام جهانی هم صعود کند. وسط زمین محمد احمدزاده و محمدعلی یحیوی نکات لازم را گوشزد می‌کنند.

ساعت حدود ۵ بعدازظهر است که یک‌باره افشین پیروانی از راه می‌رسد و این یعنی تمرین، همان حول و حوش ۵/۵ عصر خواهد بود. پیروانی این موضوع را

علی خماند: آتهایی که عصر پنجشنبه در تمرین تیم ملی حاضر بودند با چهره جدیدی از مهرداد اولادی روبه‌رو شدند. به راحتی می‌شد فهمید که این مهرداد با اولادی ملیس به پیراهن پرسپولیس خیلی فرق کرده است. به غیر از تغییرات چهره، مهرداد خیلی هم شوخ و شنگ بود و سر به‌سر همه بازیکنان می‌گذاشت و همین موضوع جای تعجب داشت چون وضعیت او با الشبای چندان مشخص نیست و مهرداد بر لبه تیغ خداحافظی از امارات ایستاده است.
■ ■ ■

■ مهرداد، اسم تو در لیست تیم ملی نبود. چطور به تمرینات تیم آمدی؟
از من خواستند ببایم سر تمرین. من هم تابع نظر مربیان تیم ملی هستم و آمدم.
■ اما تو باید در تمرینات الشبای باشی؟
کارم برای خروج از کشور درست نشده و فعلاً مجبورم در ایران بمانم و با تیم ملی تمرین کنم.
■ چه اتفاقی رخ داد که نتوانستی از کشور خارج شوی؟
چند روز پیش قصد رفتن به امارات را داشتم که در فرودگاه مهرآباد اجازه خروج به من ندادند و گفتند که شما مشمول خدمت سربازی هستید و اجازه خروج ندارید.
■ فکر می‌کنی چه اتفاقی بیفتد؟
نمی‌دانم... فعلاً که بالاتکلیف هستم. الشبای من را می‌خواهد و منتظر آمدم است. اما من فعلاً در ایران مانده‌ام.

با مهرداد اولادی در تمرین تیم ملی

هر طور شده باید برگردم الشبای

■ بی‌دلیل که نیست، تو باید مشکل خروج از کشور را حل کنی.
من دانشجو علمی – کاربردی هستم و در رشته زبان درس می‌خوانم. تمام مشکلات حل شده بود و نمی‌دانم چرا من را ممنوع‌الخروج کردند. من دوست دارم بروم چون رفتن من هم به نفع خودم است و هم به نفع پرسپولیس.

■ باشگاه الشبای اقدامی نکرده است؟

آنها کاری نمی‌توانند انجام دهند. فقط می‌گویند تو را می‌خواهیم و به هیچ طریقی نمی‌خواهند من را از دست بدهند. من برای مدیر الشبای مثل پسرش می‌مانم و هر روز زنگ می‌زند که باید ببایم و جای من را خالی نگه داشته‌اند.

■ هنوز با الشبای قرارداد داری؟
بله، من یک سال دیگر بازیکن الشبای هستم و مدیر باشگاه می‌گوید تحت هیچ شرایطی ITC تو را صادر نمی‌کنیم و باید برگردی امارات. آنها قصد شکایت از پرسپولیس را دارند و اگر تا به امروز هم از پرسپولیس شکایت نکرده‌اند به خاطر من بوده است.

■ چرا از پرسپولیس شکایت می‌کنند؟
چون من بازیکن پرسپولیس هستم و آنها با الشبای چون من بازیکن پرسپولیس هستم و آنها با الشبای بالاتکلیف هستم.